

مقدمه

علاقه بشر در رهگذر زمان برای ثبت و جاودان نمودن وقایع زندگانی خود و بهره‌گیری از عوامل مختلف، مانند لوحه‌های سنگی، لوحه‌های گلی، سنگ‌نبشته‌ها، مهرهای مسطح و استوانه، و نقوش برجسته برای نیل بدین هدف، فصل مهم و جالب توجهی را در علم باستان‌شناسی به وجود آورده است. انواع مختلف این مدارک مستند که در دل تپه‌ها، سینه صخره‌ها، زوایای آثار باستانی و آستانه معابد و مساجد وجود دارند، همگی حاکی از آن است که انسان توجه شایانی به ثبت وقایع زندگانی و تاریخی‌ای داشته است که شامل افتخارات او بوده است.

نمونه‌های مختلف ثبت وقایع که در آثار باستانی در پهنه دنیای باستان از حوزه دریای مدیترانه تا دره رود سند مشاهده می‌گردد، در کشور ما ایران تجلی خاصی داشته و شواهد مختلف آن، چه در ضمن حفاریهای باستان‌شناسی و چه به صورت سنگ‌نبشته‌ها، قرون متمادی آشکارا بدون شناسایی و تعیین هویت در دیدگاه بشر قرار داشته‌اند. بررسیهای اولیه باستان‌شناسی و کشف خطوط باستانی به تدریج متون ثبت شده در این سنگ‌نبشته‌ها را روشن نمود و با پیشرفت علم باستان‌شناسی، نقوش برجسته و صحنه‌ها و کتیبه‌ها و متون آنها در مقام مقایسه با مجموعه اطلاعات دیگری که از جهات مختلف در باستان‌شناسی پدید آمده بود قرار گرفت و بدین وسیله مستندات دیگری بر اطلاعات باستان‌شناسی افزون گردید. علی‌رغم فعالیتهای علمی منضبط‌تر دانشمندان باستان‌شناسی که در یکی دو قرن گذشته بر روی این گونه نقوش برجسته انجام شده است، هنوز نیاز زیادی به

بررسی و تحقیق در مورد شناسایی کامل جزئیات صحنه‌های نقوش برجسته، به خصوص نقوش فاقد کتیبه و متن خطوط، احساس می‌شود. خوشبختانه اطلاعات موجود در متون دیگر و به خصوص در لوحه‌های گلی، مهرها و اثر مهرها که در حفاریهای باستان‌شناسی به دست آمده کمک زیادی به شناخت و تفسیر صحنه‌های موجود در نقوش برجسته کرده است.

سنگ‌نبشته‌ها و نقوش برجسته که بنابر طبیعت سنگی خود از مقاومت زیادی در مقابل عوامل طبیعی، مانند برف و باران و سرما و گرما برخوردارند، از جمله مدارک باستان‌شناسی‌اند که سالیان دراز در معرض دید اجتماعات بشری قرار داشته‌اند. متأسفانه، به تدریج با گذشت زمان هویت اصلی و اولیه این گونه سنگ‌نبشته‌ها یا نقوش برجسته در بوتۀ فراموشی قرار گرفت و تفاسیر غیرواقعی گوناگونی درباره آنها در ذهن مردم باقی مانده است. این وضعیت بدان جا رسید که حتی اسم و نام سازندگان آنها نیز از خاطرها رفت و اسامی غیرواقعی برای آنان به وجود آمد. به خصوص در مورد نقش برجسته‌های ایلامی که از قدرت بیشتری برخوردارند، این وضعیت به طرز محسوسی ملاحظه می‌شود. شاید علت این امر را بتوان در قدمت آنها، در مقایسه با نقوش برجسته و سنگ‌نبشته‌های دورانهای تاریخی بعدی مانند نقوش برجسته ماد، هخامنشی، اشکانی و ساسانی، یا دورانهای دیگر تاریخی، جستجو نمود.

از آنگاه که تحقیقات باستان‌شناسی در بقایای باستانی تمدن ایلام تقریباً از یک قرن پیش شروع شد و در نتیجه این تحقیقات آشنایی بیشتری با هنر و صنایع این تمدن و به خصوص با خطوط ایلامی حاصل شد، نقوش برجسته و سنگ‌نبشته‌های دوران ایلامی که قبلاً یا به کلی ناشناخته بودند یا به وسیله نقوش و سنگ‌نبشته‌های دورانهای تاریخی بعدی مضطرب گردیده یا اشتبهاً به دورانهای دیگری نسبت داده شده بودند، هویت اصلی خود را بازیافتند و در معرض تفحص و بررسی بیشتری قرار گرفتند. روشن شدن تاریخ و تمدن ایلام و اطلاع از عظمت و وسعت آن با پیشرفت تحقیقات و فعالیتهای علمی باستان‌شناسی آغاز گردید و شروع دوران تاریخی این تمدن عظیم را در حدود اوایل هزاره سوم پیش از میلاد مسیح قرار داد و چه بسا

تحقیقات باستان‌شناسی در آینده این زمان را کمی قدیمی‌تر و به اواخر هزارهٔ چهارم پیش از میلاد برساند.

با توجه به آنچه در بالا اشاره شد، اهمیت تحقیقات و فعالیتهای علمی برای آشنایی بیشتر با زوایا و دقایق هنر، صنایع، و تاریخ ایلام به‌خوبی آشکار می‌گردد. مجموعه‌ای که اینک در همین زمینه با همّت و فعالیت همکار محترم آقای دکتر محمدرحیم صراف به نحو بسیار مطلوب و ارزنده‌ای تنظیم شده و در دسترس دانشمندان و علاقه‌مندان قرار گرفته است از اهمیت خاصی برخوردار است و تأثیرات نیکویی در شناخت سنگ‌نبشته‌های ایلامی دارد. این مجموعه اطلاعات مهمی را دربارهٔ تمدن ایلام و رسالت این قوم در دوران طولانی بیش از دو هزار سال حکومت خود در محافظت و نگاهداری این مرز و بوم در مقابل اجانب و بیگانگان در اختیار می‌گذارد. کوششهای دکتر صراف در تنظیم چنین مجموعهٔ ارزنده‌ای شایان سپاس و قدردانی دانشمندان و علاقه‌مندان به باستان‌شناسی است. توفیق روزافزون ایشان را در مطالعات و تحقیقات باستان‌شناسی آرزومندم.

عزت‌الله نگهبان

پیشگفتار

بعد از آنکه انسان دوره‌های جمع‌آوری غذا، آغاز کشاورزی، اهلی کردن حیوانات، استقرار در دهکده و دوره ابتدایی شهرنشینی را پشت سر نهاد، وارد مرحله‌ای گردید که بر طبق تقسیم‌بندی دورانهای باستانی «آغاز تاریخ» یا «آغاز ادبیات» نامیده می‌شود. در این مرحله، انسان پیش از تاریخ نخستین گامهای حائز اهمیت خویش را برای ابداع خط برمی‌دارد. هدف اولیه جهت تحول بزرگ در زندگی بشر آن روز ثبت و ضبط اشیای دریافتی و پرداختی بر روی لوحه‌های گلی به منظور حفظ مفاهیم آنها بوده است. به عبارت دیگر، پیشرفتهای روزافزون اقتصادی در جامعه دوران آغاز تاریخ دیگر اجازه نگهداری این محاسبات اقتصادی را در روابط بین خریداران و فروشندگان در ذهن تجار و کسبه یا بازرگانان و زارعان نمی‌داد. به همین جهت، لزوم ایجاد تحول و دگرگونی در جهت بهبود و حل این مشکل در جامعه آن روز به شدت احساس می‌شد و در نتیجه این نیاز مبرم جامعه، خط به گونه‌ی علائم ابتدایی ابداع گردید.

بررسیهایی که تاکنون در منطقه آسیای نزدیک و میانه صورت گرفته مؤید این نظریه است که سومریها اولین قوم در این ناحیه بودند که خط را ابداع کردند. اما همین افراد تلاشهای فراوان همسایه شرقی، یعنی «ایلام»، را نیز در جهت دستیابی به این امر مهم نادیده نگرفتند. به همین جهت، باید گفت که تقریباً در همان زمانی که سومریها موفق به ابداع خط سومری شدند، ایلامیها نیز خط علامت‌نگاری یا پیکتوگرافی (Pictography) را ابداع کردند که نمونه‌های آن در نقاط شوش

«خوزستان»، سیلک «کاشان»، مرو دشت «فارس»، شهاداد «کرمان» و... پیدا شده است. این امر باعث شد که این دو قوم مرحله پیش از تاریخ خود را پشت سر نهاده وارد مرحله نوین تاریخ خویش شوند و برای آیندگان کتباً از اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خود سخن گویند. اینکه ایلامیها دقیقاً در چه زمانی وارد مرحله تاریخی خویش شدند تاکنون مشخص نشده است، علت این امر قلت کاوشهای باستان‌شناسی و عدم کشف آثار و مدارک در مناطق حکومتی این قوم است. آنچه در این باره تا حال روشن شده این است که ورود قوم ایلام به مرحله تاریخ در حدود اواخر هزاره چهارم قبل از میلاد اتفاق افتاده است. آثار و اشیائی که تا امروز از محوطه‌های باستانی به وسیله گروههای باستان‌شناسی در نقاط مختلف ایران مخصوصاً در شوش به دست آمده و مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته، مؤید آن است که ایلامیها از اواخر هزاره چهارم یا اوایل هزاره سوم قبل از میلاد تا حدود ۶۴۴ قبل از میلاد در منطقه جنوب غربی ایران حکومت کرده‌اند و در این مدت طولانی حکومت یعنی ۲۵ قرن سلسله‌های معروف اوان (Awan)، سیماش (Simash)، اپارت (Epart/Ebart)، ایکهالکی (Igi-halki)، شوتروکها (Shutruk)، و ایلام نو (جدولهای ۱-۶) توانسته‌اند ضمن تشکیل اولین سلسله‌های حکومتی در ایران یا در منطقه جنوب غربی ایران پاسداری بخش مهمی از سرزمین ما را در مقابل همسایگان قدرتمند غربی خویش در بین‌النهرین برعهده گیرند. مطالعه ۲۵ قرن تاریخ زندگی قوم ایلام نشان می‌دهد که آنها می‌بایستی همیشه یا غالباً، در جبهه نظامی و فرهنگی با همسایگان غربی خود در بین‌النهرین برخورد و ستیز نمایند. تاریخ‌گویای هجوم و یورشهای متعدد سربازان اور (Ur) مخصوصاً از دوره پادشاهی «انباراگسی» (Enmbaragesi) از اولین سلسله کیش (Kish) در حدود ۲۶۸۰ قبل از میلاد، پادشاهان اکد (Akkad)، اور سوم (Ur III)، بابل قدیم، و بالاخره سربازان خونخوار آشور به سرزمین ایلام یا «هال-تا-ام-تی» (Hal-ta-am-ti)، به معنی «سرزمین خدا» بوده است. در این هجومها افراد بی‌شماری از ایلامیها کشته شدند، شهرها و معابد ایلام به سختی تخریب شد و غنایم فراوان به بین‌النهرین برده شد، ولی ایلام باز به حیات خود ادامه داد؛ به طوری که مدتی بعد مجدداً جنبشی از ایلام به پا خاست و با

ایجاد اتحاد و وحدت بین مردم ایلام، بیگانگان را از خاک میهن خویش دور کرد؛ حتی قدرت پیشرفت جنبشها در بعضی مواقع تا بدان حد رسید که سربازانش از مرزهای غربی خود گذشته به طرف داخل کشور پر قدرت و پرخطر بین‌النهرین یا دشمن دیرینه سرازیر شدند. به این ترتیب، ایلامیها توانستند بارها انتقام شکستهای خود را از همسایه‌های غربی خویش بگیرند و بعد از تصرف شهرهای زیادی در سرزمین بین‌النهرین غنایم مهمی مثل «قانون‌نامه حمورابی یا استل حمورابی» و «ستون یادبود نارامسین» را با خود به همراه آوردند. این غنایم را پادشاهان فاتح ایلام، در شوش، تقدیم معابد خدایان آنها کردند. هر چند ایلام در اواخر پادشاهی ایلام نو، یعنی در زمان حکومت هومبان هالتاش سوم (۶۴۶ قبل از میلاد)، به‌سختی از آشور بانیپال پادشاه خونخوار آشور شکست خورد، ولی نبرد ایلام و آشور به همین جا ختم نشد، چه ایلام که در آن زمان پاسداری سرزمین خود را به پادشاهان سلسله ماد سپرده بود با همکاری با این حکومت و تقویت آن به آشوریان هجوم برد و آنها نیز بدین ترتیب برای همیشه از صحنه تاریخ حذف شدند. در کشاکش این حمله‌ها و جنگها، اگر چه ایلام از نظر فرهنگی نیز با خطر نفوذ خط و فرهنگ همسایه غربی خود مواجه بود، خوشبختانه صدمه و آسیب کمتری به آن وارد شد و از این لحاظ نیز موفقیت چشمگیری داشت.

علی‌رغم اینکه کشور ایلام طی قرنهای متمادی با تجاوزات مکرر همسایگان غربی خود مواجه بود، در قسمت داخلی بدون توجه به این کش و قوسهای سیاسی و نظامی در امر احداث ابنیه و اماکن مذهبی پیشرفتهایی کرد. مظاهر این پیشرفت را به‌خوبی در ایجاد زیگورات و معابد چغازنبیل «خوزستان»، معابد اینشوشیناک (Inshushinak) یا خدای شوش، نین‌خورساگ یا «الهه کوهستان» (Ninhursak) و معبد شوتروک ناهونته دوم (Shutruk-Nahunte II) در آکروپل شوش و معبد هفت تپه در نزدیکی شوش می‌توان مشاهده کرد. با وجود کشف زیگورات و معابد مذهبی فوق، مذهب ایلام همچون سایر موضوعات فرهنگی آن هنوز به‌قدر کافی روشن نیست. شاید بتوان با بررسی مقداری از نقوش برجسته‌ای که از دوره ایلام باقی مانده از کیفیت مذهب در ایلام اطلاعاتی به دست آورد.

نقوش برجسته ایلام را تاکنون کاشفان، محققان و باستان‌شناسان به صورت انفرادی یا گروهی مطرح کرده‌اند، ولی تاکنون کمتر سعی شده تمام نقوش برجسته ایلام یکجا مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد. هدف مطالعه در این کتاب معرفی ۱۷ نقش برجسته ایلام از قدیمی‌ترین تا جدیدترین آن در چهارچوب کلی کیفیت صحنه‌های آنهاست. باشد تا با این تحقیق و بررسی مختصر در مورد نقوش برجسته ایلام گامی هر چند کوچک در جهت معرفی «ایلام و ایلامیان» برای ایرانیان علاقه‌مند به میراث فرهنگی خویش برداشته شود.

اکنون که چاپ دوم کتاب نگارنده به مرحله اجرا در می‌آید، بر خود لازم می‌دانم از زحمات و همکاریهای دست‌اندرکاران «سمت» به‌خصوص آقای دکتر احمد احمدی رئیس محترم «سمت»، آقای دکتر محمدرضا سعیدی هرسینی (معاون پژوهشی سمت) و آقایان دکتر علی‌اکبر سرفراز (مدیر گروه باستان‌شناسی)، تورج رهبر (دبیر گروه باستان‌شناسی سمت)، محمود جوان (مدیر تدوین)، خانمها آفاق عابدینی (ویراستار)، آسیه عاصی (حروفچین و صفحه‌آرا) و فریده شیرخدائی (رئیس کتابخانه موزه ایران باستان) تشکر و قدردانی کنم.

محمدرحیم صراف

بهار ۱۳۸۷